

فصل دهم

حفاظت حقوقی: ارایه تسهیلات و معاونت

هنگامه انوری

جلوگیری، واکنش و رسیدگی به مشکلات خشونت علیه کودکان مستلزم یک چارچوب حقوقی میباشد. این چارچوب حقوقی اولاً باید نگرانی‌ها و نیازمندی‌های واقعی در رابطه به حفاظت کودکان را انعکاس داده، جامع و پاسخگوی مشکلات ایشان باشد. علاوه بر این، چارچوب حقوقی را باید تمام مراجع علاقمند و بهره‌برداران یا مستفیدین دانسته و توسط مقامات تطبیق‌کننده قانون احترام گردد. جهت محافظت کودکان از خشونت، چارچوب حقوقی ایجاد شده باید توسط منابع و اسناد کافی مانند پالیسی‌ها و دستورالعمل‌ها نیز حمایت گردد.

پیش زمینه :

در حدود 57 درصد نفوس افغانستان را جوانان زیر سن 18 سال تشکیل میدهد. افغانستان دارای بلندترین میزان کودکان مکتب‌رو در سن رفتن به مکتب در دنیا میباشد. از هر 5 افغان یکی آن در سن قرار دارد که شاگرد مکتب است. آمار متفاوت وجود دارد که به طور عمومی 43 درصد از دواج‌ها زیر سن قانونی صورت میگیرد، 24 درصد کودکان مشغول انجام کارهای شاقه هستند و ثبت نمودن ولادت‌های کودکان زیر سن 5 سال فقط 6 درصد میباشد.¹

8,000 تن از کودکان در تاسیسات یا پرورشگاه‌ها زندگی مینمایند و در حدود 7444 تن از کودکان که با گروه‌های مسلح یا قوای مسلح پیوسته بودند در سال‌های 2003 و 2005 در پروسه صلح شامل گردیده‌اند. آمار فوق‌بطور عمومی نمایانگر آسیب‌پذیری کودکان بوده و بیان مینماید که آنها از اقتشار مختلف جامعه، در سنین مختلف، بچه و دختر و نیازمند حمایت میباشند. اکثر کودکان قربانی خشونت‌ها گردیده و یا هدف قربانی خشونت توسط گروه‌های مختلف قرار گرفته‌اند. این گروه‌ها شامل خانواده‌های خودایشان، اجتماع و مقامات یا مجری‌های قانون میباشند. کودکان باید از نگاه حقوقی درمقابل خشونت جنسی یا سو استفاده جنسی، قاچاق انسان، کارهای شاقه، حبس غیر قانونی، سپری نمودن جبری دوره سربازی در قوا مسلح، همچنان فرهنگ‌های ناپسندیده و مضر مانند از دواج‌های پیش از وقت حمایت گردند. قوانین افغانستان باید از کودکان که به گونه خاص آسیب‌پذیراند مانند آنانیکه بدون مراقبت‌های والدین در مغایرت با قانون و در درگیری‌های مسلحانه سهیم بودند محافظت نماید.²

اصطلاح "حفاظت حقوقی کودکان"

هدف حفاظت حقوقی کودکان باید تضمین حقوق کودکان که در کنوانسیون یا مجمع عمومی سازمان ملل متحد مشخص گردیده است باشد. همه افراد زیر سن 18 سال باید با بهترین شیوه توسط سیستم عدلی، سکتور امنیتی، و رفاه اجتماعی حفاظت گردد. هدف کنوانسیون سازمان ملل متحد به گونه مشخص تطبیق کامل نورم‌ها و معیارهای بین‌المللی بوده که در قبال بر خورد با تمام کودکان با سیستم عدلی یا غیره سیستم‌های مربوطه به حیث قربانیان، شاهدان و یا مجرمین متهم میباشند که مداخله سیستم قضایی یا اداری حکومت و یا سیستم قضایی غیر دولتی نیاز است. بطور مثال: در مورد سرپرستی یا مراقبت، بازداشت و حفاظت آنها. در قدم نخست منفعت کودک باید در نظر گرفته شود. ضمانت وجود داشته باشد که با هر کودک به شکل عادلانه و بدون تبعیض رفتار صورت گیرد. تسریع کردن حقوق کودک و فراهم نمودن شرایط که کودک به طور آزادانه نظریات خویش را بیان نماید و به آنها توجه باید صورت گیرد.

هر کودک باید از آزار، توهین، بدرفتاری و خشونت محافظت گردد. با کودکان با احترام و شفقت رفتار صورت گرفته و در تمام جریانات ضمانت‌های حقوقی آنها باید در نظر گرفته شود. جلوگیری از مغایرت با قوانین یک عنصر مهم هر پالیسی حقوقی نوجوانان میباشد و سلب کردن آزادی کودکان باید آخرین اقدام و برای کوتاه‌ترین مدت زمان بوده و تمام تلاش‌ها برای تطبیق قانون باید موضوعات مربوط کودکان باشد. هنگامیکه کودکان در مغایرت با قوانین عمل مینمایند یا تحت توقیف قرار دارند و یا هم قربانی خشونت شده‌اند با سیستم عدلی مواجه میشوند. در صورت که حاکمیت قانون در افغانستان بهبود نیابد و سیستم حقوقی معیارهای واضح حفاظت کودکان را فراهم ننماید کودکان بیشتری در همه طبقات آسیب‌پذیر

خواهند گردید. بحث ذیل وضعیت کلی کودکان افغان را در سیستم حقوقی افغانستان بیان مینماید. به دلیل محدود بودن جای روی 3 موضوع عمده تمرکز خواهم کرد:³

کودکان در مغایرت با قانون:

ماده 8 قانون نوجوانان افغانستان بیان مینماید که " زندانی نمودن یک کودک آخرین گزینه برای تربیت و اصلاح وی است" حبس ابد برای کودکان مجاز نمی باشد.⁴ بر اساس قانون نوجوانان از زمان توقیف الی ختم دوره محاکمه هیچ کودک بیشتر از 40 روز تحت نظارت باقی نماند. ولی بسیاری اوقات کودکان مشکوک و یا متهم به ارتکاب جرم برای مدت های طولانی تحت نظارت قرار میگیرند.⁵ قانون بیجنگ ماده 19.1 نیز بیان نموده است که در یک سیستم قضایی توقیف نمودن نوجوانان آخرین گزینه و برای کوتاه ترین زمان ممکن باشد.⁶ با وجود این اخیراً یک گزارش توسط موسسه غیر حکومتی سویسی " تی ، دی ، اچ " به نشر رسیده است که نشان میدهد شیوه های رسمی توقیف یا نظارت در محاکم افغانستان مورد استفاده قرار نمی گیرد. یکی از ارزیابی ها بیان نموده است که جاگزین توقیف گاه ها استفاده از مراکز آزاد تربیتی یا اصلاح نوجوانان میباشد. الی 18 دسمبر سال 2009 هیچ کودک در یگانه مرکز اصلاح نوجوانان افغانستان وجود نداشت. در حقیقت 2 ماه قبل صرف 7 تن نوجوان متهم در مرکز اصلاح آزاد کابل باز داشت شده بودند. اصولاً نوجوانان که با عث تهدید جدی در اجتماع نمی باشند باید در مراکز اصلاح آزاد تحت نظارت قرار گیرند تا اینکه در مراکز اصلاح بسته یا نظارت خانه های بسته.

هدف از مراکز اصلاح آزاد این است که به نوجوانان اجازه داده شود تا در جریان روز به مکاتب رفته و یا کار نمایند و در هنگام شب به توقیف گاه ها برگردند تا دوره نظارت خویش را تکمیل نمایند. در حالیکه مراکز اصلاح آزاد جایگزین نظارت خانه های رسمی است ولی محاکم از آنها به شکل درست استفاده نمی نمایند.⁷ پاسخ قاضی ها این بوده که سهولت های حمل و نقل محدود میباشد. واضحا کمک برای باز داشت کودکان در نظارت خانه ها یا مراکز اصلاح آزاد نیاز به برنامه منظم مالی میباشد.⁸ نظریه معلومات ارائه شده توسط اداره تی،دی،اچ تعداد کودکان توقیف شده به گونه خطرناکی افزایش یافته است. الی دسمبر سال 2009 به تعداد 600 کودک (80 تن دختر و 520 تن پسر) در افغانستان تحت نظارت بسر میبرند. در جنوری سال 2008 به تعداد 455 تن تحت نظارت بوده که در سال 2009 ، 30 درصد افزایش یافته است.⁹ دختران که از قانون تخطی نموده اند بیشتر آسیب پذیر اند نسبت به بچه ها. ارقام درست دختران در توقیف گاه ها وجود ندارد. چون آنها اکثراً در زندان های زنانه تحت توقیف اند و قانون نوجوانان تحت نظارت قابل تطبیق نمی باشد. بر علاوه مطالعات انجام شده توسط صندوق معاونت کودک سازمان ملل متحد کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان اداره مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد نشان میدهد که دختران اکثراً بخاطر جرایم اخلاقی مانند ، فرار از منزل (زنا) - در افغانستان روابط نامشروع جنسی با رضایت طرفین خارج از ازدواج) زندانی و اتهامات اختطاف کودکان و شخص قربانی شده اکثراً مجرم شناخته شده بلاخره توقیف میگردند.¹⁰

بر اساس گزارش صندوق معاونت کودکان سازمان ملل متحد و کمیسیون مستقل حقوق بشر حد اقل 56 در صد دختران بخاطر انجام جرایم اخلاقی (شامل فرار از منزل ، زنا) متهم میباشند. در اکثر قضایا دختران قربانی و مورد آزار قرار میگیرند. قضیه های که دختران مورد پیگرد قانونی قرار گرفته اند کاملاً متفاوت میباشد. بطور مثال : یک دختر 14 ساله توسط پدر اندر به مبلغ 2000 دالر امریکای برای یک شخص 80 ساله مجبور به ازدواج گردیده و بعداً همین دختر به شخصی دیگر به مبلغ 5000 دالر امریکای به فروش رسیده است. وقتی شخص با وی مقاربت جنسی نموده او به اغما یا حالت بی هوشی رفته و به شفاخانه منتقل گردیده است. از آنجا پولیس قضیه را تحت تحقیق قرار داده و بعد از مدت 3 روز دختر را به دفتر تحقیقات پولیس انتقال داده و از آنجا به مرکز اصلاح. وی مدت 3.5 ماه را در آنجا سپری نموده و قاضی پافشاری مینمود تا دختر با شخص کا بالای وی تجاوز نموده ازدواج نماید. تا بلاخره کمیسیون مستقل حقوق بشر و شبکه حفاظت از کودکان دست بکار شده و وی از توقیف غیر قانونی رها گردید.¹¹

در یک گزارش تی، دی، اچ آمده است زمانیکه از 22 تن قاضیان که ریاست قضایا تخطی کودکان از قانون را به عهده داشته اند تحقیق صورت گرفته است ماده 130 قانون اساسی افغانستان در جرایم اخلاقی در نظر گرفته شده است. ماده 130 قانون اساسی افغانستان بیان مینماید که در قضایای مورد نظر محاکم باید این ماده قانون اساسی و یا قوانین دیگر را عملی نمایند. هرگاه در مورد یک قضیه هیچ ماده قانون اساسی و یا دیگر قوانین وجود نداشت محاکم باید قانون فقه حنفی را تعقیب

نمایند. (یکی از 4 فرقه شریعت اسلام قبول شده) و در این محدوده قانون اساسی طوری عمل نماید که عدالت به بهترین وجه تامین گردد.¹² این حالت دختران را در وضعیت بدی قرار میدهد چون قوانین نوجوانان که بالای منفعت کودکان تاکید مینماید مستفید نمی شوند. اداره تی، دی، اچ بیان مینماید که از جمله تمام کودکان در نظارت خانه ها که با آنها مصاحبه صورت گرفته است 45 درصد آنها بخاطر انجام جرایم اخلاقی چون فرار از منزل و زنا توقیف گردیده اند.

بعضی گزارشات نشان میدهد که فرار از منزل بخاطر رهای از شکنجه و آزار جسمی توسط والدین یا همسران و یا هم فرار بخاطر رهایی از ازدواج های سنتی میباشد. بسیاری از کودکان که بخاطر انجام فساد اخلاقی زنا توقیف شده اند ادعا بی گناهی مینمایند گویا اتهامات بالای ایشان حقیقت ندارد. در یک قضیه دختر قصد رفتن به خانه را داشته و سوار به تاکسی میشود که در آن 2 مرد نشسته است، تاکسی توسط پولیس توقف داده شده و وی بلافاصله به جرم انجام فساد اخلاقی / زنا به 2.5 سال زندان محکوم میشود.¹³ در یک قضیه دیگر وقتی یک دختر شاگرد مکتب 2 ساعت ناوقت تر بعد از رخصت شدن مکتب به خانه بر میگردد متهم به فرار از منزل شده و محکوم به یک سال زندان میگردد.¹⁴

گزارشات همچنان نشان میدهد که بعضی اوقات دختران بعد از این که ربوده میشوند و رها میگردند خانواده ها از نگهداری آنها خودداری مینمایند. راه دیگر جز رفتن به توقیف گاه ندارند. اداره تی، دی، اچ علاوه مینماید که متأسفانه با دختران که بررسی گردیده است توقیف گاه به حیث یک پناهگاه برایشان است چون خانواده ها دیگر آنها را نه خواسته و سرپرستی نمی نمایند. بعضی از دختران از رهای خویش حراس دارند چون اعضای خانواده هایشان آنها را تهدید نموده اند.¹⁵

بر اساس اصول پذیرفته شده بین المللی کودکان در موارد موضوعات اداری و قضای از حقوق ویژه برخوردار اند که باید به نظریات آنها بطور مستقیم، از طریق نماینده ها، و یا هم مراجع مناسب با در نظر داشت اصول و قوانین ملی توجه صورت گیرد. گزینه ها و عواقب ممکن و شیوه های بازجوی (محل، چگونگی بازجوی، و شخص بازجوکننده) مساعد به حالت کودک صورت گردد. ولی بر خلاف بر اساس گزارشات اداره تی، دی، اچ با کودکان که مصاحبه صورت گرفته است اظهار داشته اند که هنگامی رفتن به محاکم فوراً قاضی ها به آنها تاکید مینماید که به انجام جرم خویش اعتراف نمایند. یک کودک 17 ساله به اتهام لواط توقیف شده و توسط پولیس مورد لت و کوب قرار گرفته و قاضی در محکمه ابتدایی از آن خواسته تا به جرم خویش اعتراف نماید و تا زمانیکه قاضی در آنجا است صحبت نکند و بطرف او حتی نگاه هم ننماید. اداره تی، دی، اچ با تعدادی زیادی از نوجوانان محکوم به جرم در مناطق مرکزی افغانستان بطور جداگانه مصاحبه نموده است همه آنها اظهار داشته اند که حتی بعد از رفتن به محکمه قاضی عین موضوعات را برای وی تکرار نموده است.¹⁶ کونا نسیون علیه شکنجه، ظلم، رفتار غیر انسانی سازمان ملل متحد شکنجه را طوری ذیل تعریف مینماید.

هر عمل که با عث درد یا رنج شدید چه بطور جسمی یا روحی عمداً بالای شخص جهت دریافت معلومات از وی یا از شخص سوم یا اعتراف، مجازات نمودن به خاطر عمل انجام شده توسط وی یا شخص سوم یا مشکوک به انجام عمل، تهدید کردن، مجبور ساختن وی یا شخص سوم یا به هر دلیل نوع از تبعیض که درد و رنج وارد شده موجب اعتراف و یا رضایت برای مقام رسمی و یا شخص دیگر به حیث کارمند دولت تحمیل گردد میباشد.¹⁷ معلومات نشان میدهد که در افغانستان شکنجه، تحقیر نمودن و مجازات از جمله روش های عادی است که با کودکان که از قانون تخطی نموده اند صورت میگیرد. با نوجوانان که اداره تی، دی، اچ مصاحبه نموده است بطور عمومی 45 درصد آنها مورد سو استفاده جنسی قرار گرفته است. بعضی اوقات برای مدت چندین هفته توسط کارمندان پولیس امنیتی و تعقیب کننده گان مورد سو استفاده قرار گرفته اند. در بدن بسیاری از آنها نشانه های سو استفاده جنسی متناسب به ادعا ایشان به مشاهده میرسد و اکثراً این قربانیان پسران اند.

بر اساس گزارش صرف 2 تن نوجوان دختر مورد شکنجه قرار گرفته، توسط پولیس تهدید شده و آنها را بد کاره خطاب نموده اند.¹⁸ کودکان که از قانون تخطی مینمایند در جریان محاکمه عدلی دولتی یا غیر دولتی از هر گونه شکنجه و ذلت باید محافظت شوند. از شیوه های مناسب و قوانین محافظتی باید استفاده شود تا از سو استفاده و خشونت های جسمی و جنسی جلوگیری بعمل آید. شکنجه و دیگر برخورد های ظالمانه غیر انسانی و تحقیر آمیز به شمول شکنجه جسمی باید جدا ممنوع گردد. مجازات اعدام و حبس ابد بالای کودکان که مرتکب جرم شده است باید تحمیل نگردد. منابع بشری محدود و غیر مسلکی مقامات دولتی که در قضایا دخیل اند از جمله دو دلیل عمده بوده که کودکان از آنها رنج میبرند. بسیاری از

قاضیان و تعقیب کننده گان از اصول و قوانین که برای کودکان تطبیق شود آگاهی ندارند. در حقیقت تعداد قاضیان مسول در محکمه کودکان محدود میباشد. بعضی از موسسات غیر دولتی که در پروسه آموزش دهی قاضیان سهم داشته اند انتقاد نموده اند که بعد از بلند بردن سطح آگاهی قاضیان در قضیه های کودکان ایشان از وظیفه برکنار گردیده و پروسه آموزش و آگاهی دهی دوباره باید آغاز گردد.

در یک امتحان داوطلبانه قاضیان که از طرف دفتر تی، دی، اچ برگزار گردیده بود تا سطح دانش آنها را در مورد حقوق کودکان ارزیابی نماید، 45 درصد آنها هیچ گونه آگاهی از کنوا نسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد نداشته اند. (بسیاری از آنها تصور مینمودند که کنوا نسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد سخنرانی حامد کرزی رییس جمهور افغانستان یا هم سخنرانی باراک اوباما رییس جمهور ایالات متحده امریکا است) 53 درصد قاضیان از حقوق کودکان باز داشته شده آگاهی ندارند.

" سو استفاده جنسی از کودکان "

سو استفاده جنسی از کودکان جدی ترین حق کودکان است که نقص میگردد. حدود این مشکل در افغانستان بطور دقیق نا معلوم است. چون معلومات در این رابطه وجود ندارد. بر اساس سازمان صحتی جهان مطالعات انجام شده در 19 کشور نشان میدهد که نفوذ یا پخش این موضوع از 7 الی 34 درصد میان دختران و از 3 الی 29 درصد میان پسران وجود دارد.¹⁹ هر چند نشانه های واضح این مشکل بطور گسترده در هر بخش زندگی وجود دارد بشمول خانواده ها، مکاتب، محل کار و در اجتماع. پیامد های ناشی از سو استفاده جنسی برای کودکان خیلی دشوار و همیشگی میباشد. در یک مطالعه که توسط سازمان حمایه اطفال دنمارک و سیویس در سال 2003 صورت گرفته است، سو استفاده جنسی از کودکان را قرار ذیل تعریف نموده است.

" تحمیل عمل جنسی و یا رفتار یا لحن جنسی توسط یک یا چندین شخص بالای یک کودک " ²⁰ تا این اواخر باور بر آن بود که تعداد محدود از کودکان مورد سو استفاده جنسی قرار میگیرند و متجاوزین یا سو استفاده کننده گان بیگانه ها یا افراد بلند رتبه بوده صرف در بعضی قضایا استثنایی والدین بوده است. در حقیقت اشخاص که کودکان را مورد سو استفاده جنسی قرار میدهند از همه طبقات و گروه های جامعه مرد و زن میباشند. هر چند به اساس آمار موجوده مرد ها اکثرا کودکان و نوجوانان را مورد تجاوز یا سو استفاده جنسی قرار میدهند. سو استفاده کننده گان شامل والدین، معلمین، کارفرما، رهبران مذهبی، اعضای گروه ها و شبکات جنایت کار و یا هم اشخاص ادارات تطبیق کننده قانون می باشند. شواهد نشان میدهد که دختران نسبت به پسران بیشتر مورد تجاوز جنسی قرار میگیرند. ولی بر خلاف بعضی مطالعات نشان میدهد که بیشتر از آنچه قیاس شده است تعداد زیادی از پسران نیز مورد تجاوز جنسی قرار میگیرند. تجاوز جنسی بالای کودکان و نوجوانان یک موضوع مهم است که نا برابری های قدرت را نشان میدهد و مستلزم فراخوان و هماهنگ ساختن پسران و مردان در جامعه میباشد تا علیه خشونت، تجاوز جنسی کودکان، ایجاد رابطه و نقش مساوی میان زن و مرد اقدام عملی نمایند.

سو استفاده جنسی از کودکان در افغانستان یک موضوع بی نهایت پنهانی است. گروه های خانم ها بطور مشخص در رابطه به خشونت علیه زنان و کودکان صحبت های نموده اند. ولی هر گونه بحث و گفتگو در مورد موضوعات جنسی در اجتماع شرم آور و نا مناسب دانسته میشود. آمار دقیق قضایای تجاوز های جنسی وجود ندارد و بسیاری از معلومات بطور حکایتی میباشد. بر علاوه نمونه های فرهنگ پذیرفته شده سو استفاده جنسی کودکان نیز وجود دارد. گزارشات بیان مینماید که مرد ها از کودکان جهت رضای تمایلات جنسی (بچه بازی) یا بازی با بچه ها (استفاده مینمایند. این موضوع خیلی مشهور و سر زبانها است. ²¹ بطور سنتی نگهداشتن پسران خوش قیافه و زیبا باعث افزایش اعتبار و حیثیت آن مرد میشود (نیرومندی یا مردی خود ساخته یا تحمیل شده از بیرون) ²² سو استفاده جنسی از کودکان بطور واضح و مستقیم با ازدواج های زیر سن، قاچاق کودکان و کار شاقه بالای آنها ارتباط دارد. ارزیابی ها نشان میدهد که از جمله هر 3 دختر یکی آن و از هر 10 پسر یکی آن در سن 15 سالگی ازدواج مینمایند. ²³

بر اساس مطالعات دفتر حمایه اطفال دنمارک و سویدن دختران که وارد ازدواج های پیش از وقت میشوند اظهار نموده اند که آنها آماده حمل گرفتن نبوده و ترس آنها هر چند مستقیما اظهار نگردیده است ممکن در مورد موضوع زنا شوی و مقاربت ازدواج باشد. ²⁴ چالش های دیگر بر علاوه این که بحث روی موضوعات سو استفاده جنسی در اجتماع و در

محضرم نامناسب و شرم آور است، هویت کودکان که قربانی سو استفاده جنسی گردیده است، بی اعتنای موسسات غیر دولتی، مقامات دولتی افغانستان که روی موضوع بطور جدی کار کرده و مشکلات را باید اولویت بندی نماید.

عدم موجودیت حمایت روحی و روانی برای کودک که مورد تجاوز جنسی صورت گرفته است، عدم حمایت از سوی مراکز اصلاح کودکان که ممکن مرتکب جنایت شود و کودکان دیگر را مورد تجاوز جنسی قرار دهند، شیوه های تداوی غیر موثر که ممکن با عث به خطر انداختن و نقص حفاظت کودک گردد، داکتران به ضروریات قربانیان بی اعتنا بوده و نمیدانند چگونه آسیب های روحی کودکان را درمان نمایند. محافظت حقوقی کودکان از سو استفاده جنسی چندین موضوع کلیدی و مهم را بیان مینماید.

به دلیل ضعف در تطبیق قانون مجرمین که کودکان را مورد سو استفاده جنسی قرار داد اند معاف میگردند. عدم دست رسی به محاکم در نقاط دور دست، نا امنی و فاصله های دور، بی عدالتی، موجودیت فساد گسترده و عدم شفافیت در تطبیق قانون بالای مرتکبین و جنایت کاران و همچنان موضوعات عزت و آبرو و شرمندگی با عث آن میشود که خانواده ها از مراجعه نمودن به مراجع عدلی خودداری نمایند. یکی از دلایل که با عث افزایش واقعات سو استفاده جنسی از کودکان میگردد ضعف در واکنش و پیگیری مقامات عدلی میباشد. در افغانستان تا هنوز یک قانون مستحکم بین المللی بر اساس قانون اساسی جهت حفظ حقوق کودکان علیه خشونت جنسی بمیان نیامده است. قوانین موجوده در رابطه به این موضوع کافی نبوده و کوتاهی قوانین در شناخت و تعریف مشخص و جامع از سو استفاده جنسی کودکان به حیث یک جرم وجود ندارد. قاضیان، وکیلان مدافع اکثراً مجبور اند تا بطور عمومی بر قوانین جرمی اتکا نمایند. قوانین که بطور مشخص نوعیت سو استفاده جنسی یا آزار جنسی را بیان نمیکند و در عوض صرف روی موضوع تجاوز جنسی بحث میکند. در نتیجه محدودیت قانون مجرمین مرتکب به انواع دیگر از سو استفاده های جنسی میشود و مجازات نمیگردند. عدم آگاهی قاضیان افغانستان از سو استفاده جنسی و قوانین مشخص در رابطه به انواع سو استفاده های جنسی کودکان بیانگر آن است که چرا این پدیده در سر تا سر کشور رو به افزایش است.

کودک، قربانی قاچاق انسان

قاچاق انسان جرمی است که میتواند با عث از بین بردن شخصیت و نابودی زندگی انسان گردد. امروزه افغانستان منبع حمل و نقل و کشور مقصد برای قاچاق کودکان میباشد. نقص قوانین مختلف حقوق بشر مانند ازدواج های اجباری، ازدواج های زیر سن، سو استفاده جنسی از کودکان، خشونت های خانواده گی با عث افزایش محیط قاچاق انسان بطور مشخص میگردد. در گزارش که توسط سازمان بین المللی مهاجرت در سال 2008 صورت گرفته بیان گردیده است که اکثراً قربانیان نوجوانان یا کودکان میباشند. 35 درصد از قربانیان قاچاق انسان کودکان زیر سن 18 سال میباشند.²⁵ چون افغانستان جز موافقت نامه 2000 سازمان ملل متحد نمی باشد تا از قاچاق شخصی انسان جلوگیری، آن را سرکوب و اشخاص را مجازات نمایند. به خصوص اشخاص که در قاچاق کودکان و زنان دست دارند.²⁶ افغانستان جز کنوا سیون جلوگیری و مجادله علیه قاچاق زنان و کودکان و سو استفاده جنسی سازمان همکاری های منطقه ای جنوب آسیا نیز نمی باشد.²⁷

الی سال 2012 میلادی قوانین لازم و جدی در افغانستان نهی نگریده و بنا بر این کودکان افغان بیشتر آسیب پذیر اند. فقر و تنگ دستی با عث قاچاق و فروش کودکان توسط خانواده های خودشان گردیده و آنها را بیشتر آسیب پذیر میسازند. این یک موضوع نگران کننده است. بر اساس گزارش سال 2008 اداره بین المللی مهاجرت 3 کودک نوزاد دختر، یکی آنها 4 ماه به مبلغ 40 دالر مریکای و 2 تن دیگر آنها 9 ماه به مبلغ 10 دالر امریکای و 240 دالر امریکای بفروش رسیده اند. والدین آنها از انجام خطا کاری یا خلاف کاری انکار نموده بیان میدارند که آنها توان تغذیه کودکان خویش را نداشته اند. اشخاص که کودکان را به پول خریداری نموده اند نیز از انجام خطا کاری یا اشتباه انکار مینمایند و ادعا میکنند که هدف آنها محافظت از کودکان در مقابل فقر است.²⁸ هیچ گونه محافظت حقوقی برای جلوگیری از چنین اعمال وجود ندارد. بعضی اوقات ادارات دولتی از طریق حامیان جامعه مدنی از چنین قضایا آگاهی حاصل کرده و برای خانواده قربانی مقدار اندک پول پیشکش نموده و طفل را دوباره برای ایشان برمیگرداند. در عدم موجودیت سیستم ارزیابی واحد و درست هر شخص به شیوه جدید خود ساخته با قضایا برخورد مینماید. در افغانستان قاچاق انسان برای سو استفاده جنسی و ازدواج های غیر قانونی یک جرم عام علیه دختران میباشد.

زیبا یک دختر 15 ساله از حوزه جنوب شرق افغانستان است. هنگامیکه زیبا کودک خرد سن بود والدین وی وفات نموده اند. پسر کاکای وی علی مسولیت پرورش وی را به عهده گرفت. او در دیار مهاجرت در خانواده پسر کاکا در پاکستان بزرگ گردید. روزی علی برای زیبا میگوید که او را به سفر میبرد و زیبا نیز موافقت مینماید. علی زیبا را در کابل تسلیم مردی بنام عبدالله مینماید و زیبا هرگز علی را دوباره نمی بیند. او و عبدالله با زن دیگری که قبلاً در آنجا بود زندگی میکردند. بعداً عبدالله برای زیبا میگوید که وی پول زیادی را بخاطر به دست آوردنی او به مصرف رسانیده است و او حالا همسرش است. زیبا میخواست تا این را نپذیرد و حراس داشت که هر گاه این کار را نماید عبدالله او را به قتل خواهد رسانید. زیبا حتی با طور درست با عبدالله صحبت کرده نمی توانست. چون عبدالله دری و زیبا پشتو صحبت میکرد. بعد از عقد نگاه (ازدواج) زیبا چندین مرتبه مورد تجاوز جنسی قرار گرفت. بعد از گذشت 20 روز زیبا فرصت به دست آورد که با همسایه که نیز لسان پشتو را میدانست صحبت نماید و داستان زندگی خویش را برای او بیان کرد. در هنگام صحبت نمودن، زنی که در خانه عبدالله زندگی میکرد از موضوع مطلع شده و آغاز به لت و کوب زیبا مینماید. همسایه ها موضوع را به پولیس اطلاع میدهند و پولیس عبدالله را توقیف مینماید.²⁹ رابطه میان قاچاق انسان و قضایای سو استفاده جنسی مربوط به زنان و کودکان را نمیتوان انکار کرد. قوانین حقوقی افغانستان به گونه درست تعریف نگردیده و نمی تواند یک مکانیزم (ساختار) مقابله با این مشکل را فراهم نماید. یک قضیه دیگر توسط سازمان بین المللی مهاجرت آی، او، ام در سال 2008 بُعد متفاوت قاچاق انسان را بیان مینماید.

یک پسر 15 ساله که در پاکستان مشغول کار بود روبرو شد. او توسط قاچاقچیان انسان از طریق سرحد میان افغانستان و پاکستان به مناطق شمالی افغانستان انتقال شد. بعد از رسیدن به افغانستان مجبور به کار کردن گردید. بلاخره روزی او موفق به فرار شد. ولی بعداً توسط پولیس بازداشت شده و قومندان محلی پولیس او را به منزل خود انتقال داده و او را به حیث خدمتکار در منزل خویش مصروف کار ساخت. در محافل عروسی دوستان خویش او را مجبور به رقصیدن میساخت. بعضی اوقات او را مورد سو استفاده جنسی نیز قرار میداد. او را مجبور ساخته بود تا یونیفرم یا لباس نظامی بپوشد و قومندان را در محافل همراهی نماید. آزادی او سلب شده بود و قومندان با او طوری رفتار میکرد گویا او جز اموال و دارایی اوست. او بلاخره با کمک اداره بین المللی مهاجرت توانست تا دوباره به پاکستان فرار نماید.³⁰ هیچ معلومات راجع به مجازات اشخاص که مرتکب همچو جرایم میشوند وجود ندارد. قوانین موجوده روی بُعد های متفاوت قاچاق انسان تاکید نه نموده و این باعث میشود تا مجرمین از مجازات فرار نمایند.

" روش ها جهت تقویت محیط محفوظ برای کودکان "

به علت عدم موجودیت منابع و اراده سیاسی دولت افغانستان دارای دستور العمل های جامع و حساس برای کودکان نمی باشد. خدمات جهت احیا و استقرار مجدد کودکان در جامع فرا گیر نبوده بنا بر این پاسخگوی نیازمندی های نیازمندان نمی باشد. جهت محافظت کودکان افغان از خشونت و سو استفاده جنسی اصول که بر اساس معیار های حقوقی بین المللی استوار است باید در نظر گرفته شود.

-- در برخورد با کودکان که چه توسط محکمه، ادارات دولتی یا غیر دولتی صورت گیرد در قدم نخست منافع کودک باید در نظر گرفته شود.

-- اصول عدم تبعیض که چارچوب اساسی برای ایجاد سیستم حقوقی دوستدار کودک است در نظر گرفته شود با توجه خاص روی شیوه های برخورد حساس جنسیتی. سیستم حقوقی طوری باید عمل کرد تا هر طفل را در مقابل خشونت و سو استفاده جنسی محافظت نماید. در سیستم ذکر شده شفقت و ترحم از اهمیت واقعی و خاص برخوردار باشد. حیثیت و وقار، ضرورت های خاص، منافع، حفظ راز و معلومات شخصی کودکان باید احترام و محافظت گردد. تضمین های حقوقی ابتدای طوریکه در نورم های ملی و بین المللی مربوطه بیان گردیده است در تمام اقدامات دولتی و غیر دولتی در نظر گرفته شود. -- نظام حقوقی باید روی شیوه های موفق استقرار مجدد، سهیم ساختن کودکان در اجتماع تاکید نماید تا از کودکان که قربانی خشونت، سو استفاده جنسی و قاچاق گردیده اند حمایت صورت گیرد. در عملی نمودن این امر خانواده ها، اجتماع، گروه ها، دوستان، مکاتب، آموزش های حرفوی و محیط کاری نقش عمده را ایفا مینماید.

-- هدف اصلی چنین چارچوب حقوقی تضمین موضوعات کودکان در تمام تلاش ها و تطبیق قوانین، فعالیت های اشخاص بلند رتبه، منسجم نمودن منابع ملی، ارزیابی ملی و مکانیزم یا شیوه گزارش دهی باشد.

بر علاوه ، بطور کلی محافظت حقوقی کودکان باید شامل تمام جریان‌های ملی سیستماتیک و متحد گردد. مثلاً، انکشاف پلان‌های ملی، پلان‌های سکتوری، ارزیابی فقر و روش‌های کاهش فقر، پالیسی‌ها ، ایجاد پلان‌های عملی توسط ادارات دولتی و غیر دولتی در بودجه ملی و بین‌المللی ، جلب کمک‌ها از طریق ارزیابی مشترک و دقیق ، انکشاف روش‌های جامع تطبیق قانون منافع کودکان باید در نظر گرفته شود. اشتراک کودکان در امورات که روی زندگی ایشان اثر گزار است یک قاعده جهانی است که باید در تمام اقدامات پروگرام‌های مربوط به طرح ، تطبیق و به هدف محافظت حقوقی کودکان به راه انداخته میشود در نظر گرفته شود. ایجاد محیط حفاظتی برای کودکان که باعث جلوگیری خشونت ، بد رفتاری، سو استفاده جنسی از کودکان میگردد شامل اجزای لازمی ذیل میباشد.

- بلند بردن ظرفیت‌ها و مستحکم نمودن تعهدات دولت برای حفاظت حقوق کودکان.
- ترویج ، ایجاد و تطبیق قوانین کافی
- رسیدگی و حل نمودن رسم و رواج‌ها و روش‌های نامناسب و مضر.
- تشویق و ایجاد بحث‌های آزاد روی موضوعات محافظت کودکان در موجودیت همکاران جامع مدنی و رسانه‌ها.
- انکشاف مهارت‌ها ، بلند بردن سطح دانش و اشتراک کودکان.
- بلند بردن ظرفیت‌های خانواده‌ها و اجتماع.
- تهیه نمودن خدمات ضروری برای بهبود و استقرار مجدد ، مثلاً حفظ الصحه ، تعلیم و تربیه و حفاظت.
- ایجاد و تطبیق ارزیابی‌های اشتباهات ، گزارش دهی موثر و دوامدار.

یادداشت:

1. دفتر ورلد ویژن یو کی سال 2012. اداره حوادث طبیعی
2. یونیسف: ارزیابی وضعیت کودکان و زنان (گزارش ام آی سی اس افغانستان 2003) تعداد کودکان افغان که در مبارزات مسلحانه دخیل اند تخمیناً تعیین شده است بطور کامل درست نمی باشد. (به برنامه یونیسف افغانستان کشور در معرض خطر مراجعه نمایید) قوانین جهت کمک به قربانیان جنگ) سازمان ملل متحد (2003) . ارقام بدست آمده از ارزیابی ساحوی وضعیت کودکان سرباز (یونیسف). مراجع به کمک‌های بشری (معلومات کشور های کمک کننده برای افغانستان) سپتمبر 23 2003 رلیف ویب . برای معلومات بیشتر به فصل 9 توسط "دیلفین بوتین " کودکان مشغول به سربازی در افغانستان مراجعه نمایید.

3. یونیسف کنوا نسیون حقوق کودک را چنین تعریف مینماید. ساختار متفاوت حقوقی بر اساس رسوم و سنت‌ها این کنوا نسیون لست از تعهدات جهانی معیاری ، پذیرفته شده و غیر قابل تغییر میباشد. این معیار‌های اساسی بنام حقوق بشر نیز یاد میگردد. حد اقل حقوق و آزادی که توسط حکومت‌ها باید احترام گردد. که بر اساس احترام به شخصیت و وقار ارزش هر فرد بدون در نظر داشت نژاد ، رنگ ، جنس ، لسان ، مذهب ، نظریه ، اصلیت ، ثروت ، حالت دولت با توانایی و برای هر انسان که در هر جای باشد قابل تطبیق است. و افراد نیز یک سلسله مسولیت‌های دارند تا به حقوق دیگران احترام کرده و بالای آنها تجاوز ننمایند. این معیار‌ها مستقل و ناگسسته میباشد. نمی توانیم حقوق بعضی را تامین نماییم و از عده دیگری را ننماییم یا حقوق عده را به قیمت حقوق عده دیگر تامین نماییم.
4. قانون نوجوانان افغانستان. ماده 8
5. یونیسف و کمیسیون مستقل حقوق بشر ، عدالت برای کودکان، وضعیت کودکان افغانستان که از قانون تخطی نموده اند. (قوانین بیجینگ 29 نومبر 1985)
6. کمیشنری دفتر سازمان ملل متحد برای حقوق بشر معیار‌های حد اقل قوانین سازمان ملل متحد برای حقوق عدلی و ادارتی نوجوانان.
7. کیمبرلی کی موتلی " ارزیابی عدالت موضوعات نوجوانان در افغانستان".
8. همان
9. همان

10. در افغانستان تعریف حقوقی زنا نظر به قانون شرعی مذهب حنفی در نظر گرفته شده است. زنا عمل جنسی را گویند که بین مرد و زن که با هم نه ازدواج نموده و نه هم رابطه غلام و مالک دارند صورت گیرد. بر اساس قانون جزا 1976 افغانستان که فعلاً عملی میشود شخص که عمل زنا را انجام داده باشد باید حبس طولانی مدت شود. قانون جزا افغانستان ماده 427 که در 15 میزان 1355 در جریده رسمی شماره 347 به نشر رسیده. ترجمه انگلیسی در سایت موجود است
11. یونیسف و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان. عدالت برای کودکان،
12. موتلی، "ارزیابی عدالت برای نوجوانان" 18
13. همان، 27
14. همان، 28
15. همان
16. همان، 35
17. کنوا نسیون سازمان ملل متحد علیه آزار، اذیت و دیگر رفتارهای غیر انسانی، توهین و مجازات. (فصل اول، ماده اول، 16 جولای 1994
18. موتلی "ارزیابی عدالت برای نوجوانان" 36.
19. کارین حیسلر، ارزیابی روش های مناسب و اولویت بندی جهت مبارزه علیه سو استفاده جنسی کودکان در بنگله دیش (داکه، 2001)
20. کات سلگیت، جان فریدریک. طرح حمایت روانی برای کودکان که در 4 کشور جنوبی و مرکزی آسیا (افغانستان، بنگله دیش، نیپال و پاکستان) مورد سو استفاده جنسی قرار گرفته اند. (دفتر حمایه اطفال سویدن - دنمارک، 2003)
21. عمل بچه بازی در بسیاری از نقاط مرکزی و جنوب آسیا صورت میگیرد. جنگ سالاران و قومندان های نظامی کودکان و نوجوانان را برده های جنسی خویش میسازند. مردان به خاطر خوش گذرانی و تفریح آنها را مجبور به رقص نمودن مینمایند. از زمان های قدیم بچه بازی در این جوامع وجود داشته است. حتی قومندان های یونان قدیم نیز به انجام این کار معروف بوده اند.
- رادیکا کومار سوامی، سازمان ملل متحد دفتر فرستاده خاص، سکرتر جنرال برای کودکان در جنگ های مسلحانه جلسه 64 مجموعه عمومی سازمان ملل متحد، کمیته سوم ترویج و محافظت حقوق اطفال، 14 اکتوبر 2009)
22. سلگیت، طرح حمایت روانی برای کودکان در 4 کشور، 57
23. در افغانستان سن قانونی ازدواج برای دختران 16 سال و برای پسران 18 سال میباشد. هر چند در حدود 60 در صد ازدواج های دختران زیر سن قانونی 16 سال میباشد. بر اساس گزارش وزارت امور زنان و سازمان های غیر دولتی، بعضی دختران حتی در سن 9 سالگی ازدواج میکنند.
24. سلگیت، طرح حمایت روانی برای کودکان در 4 کشور، 57
25. کتسوی کایا، گزارش ارزیابی ساحوی قاچاق انسان در افغانستان (اداره بین المللی مهاجرت، جون 2008)
26. قانون جلوگیری، سرکوب و مجازات قاچاقچیان کودکان و زنان ضمیمه کنوا نسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم انتقالی و سازمان یافته (سازمان ملل متحد 2000)
27. کنوا نسیون سازمان همکاری های منطقوی جنوب آسیا جهت جلوگیری و مبارزه با قاچاق زنان و کودکان جهت فساد اخلاقی. (اعضای سازمان همکاری های منطقوی جنوب آسیا، کاتمندو - 5 جنوری 2002)
28. کایا، گزارش ارزیابی ساحوی قاچاق انسان در افغانستان-25
29. همان، 26
30. همان، 28

نویسنده: هنگامه انوری

مترجم: میرویس امانی